

با خدا به سوی موفقیت و ثروت

تالیف:

مهناز سروش



انتشارات نارون دانش

زمستان ۱۳۹۷

سرشناسه	:	سروش، مهناز، ۰۲/۱۱/۱۳۶۲، نویسنده
عنوان و نام پدیدآور	:	با خدا به سوی موفقیت و ثروت / مهناز سروش
مشخصات نشر	:	تهران: نارون دانش، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	:	۸۳ ص.
شابک	:	۹۷۸-۶۲۲-۹۵۴۸۳-۲-۵
ویرایش و فهرست نویسی	:	فیبا
موضوع	:	موفقیت -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام
موضوع	:	Success -- Religious aspects-- Islam
موضوع	:	موفقیت
موضوع	:	Success
رده‌بندی دیگری	:	۱۳۹۷ ب۲ ۴س/۶۵/ BP۲۳۲
رده‌بندی دیوینی	:	۲۹۷/۴۸۵
شماره کتابشناسی ملی	:	۵۵۸۳۲۵۳

آدرس:	تهران، خیابان فرصت سیرازی، پلاک ۲، واحد ۳
شماره تماس:	۰۲۱ - ۳۲۲۴۵ ۶۶



عنوان کتاب	 با خدا به سوی موفقیت و ثروت
مؤلف	 مهناز سروش
صفحه آرا	 سیمین آزادی
طراح جلد	 سیمین آزادی
ناشر	 نارون دانش
شمارگان	 ۱۰۰۰ نسخه
نوبت چاپ	 چاپ اول
قیمت	 ۱۵۰,۰۰۰ ریال

ISBN:978-622-95483-2-5

فهرست مطالب

۷.....	پیشگفتار
۱۱.....	مقدمه
۱۳.....	فصل اول: ایمان و اعتقاد کردن به خداوند
۲۳.....	فصل دوم: قانون فکر در جهان هستی
۳۲.....	فصل سوم: قدرت کلام
۴۱.....	فصل چهارم: قانون باور
۵۳.....	فصل پنجم: قانون افزایش نعمت و ثروت
۶۲.....	فصل ششم: اولین اقدام برای رسیدن به موفقیت
۷۱.....	فصل هفتم: قانون رهایی
۸۰.....	قسمت پایانی

پیشگفتار

چطور شد که تصمیم گرفتم این کتاب را بنویسم. من همیشه از سالها پیش دوست داشتم که کتابی بنویسم که تأثیرگذار باشد اما این را هم می‌دانستم که اول باید روی خودم کار کنم.

مثل خیلی از افراد من هم در تصمیم خراب بادی نبودم و فقط در حد فکر بود و خبری از اقدام نبود. گذشت و گذشت ...

تابستان سال نود و شش بود که من به همراه یک از بستگانم تصادفی کردیم که خیلی وحشتناک بود. ماشین کاملاً چپ شد و من را از چند ثانیه حس کردم همه چیز تمام شد. اما وقتی خودم را و کسی را که کنارم نشسته بود زنده و سالم دیدم فقط شوک زده شده بودم.

فردی را که کنار من بود یکی از عزیزان من است و فقط او آسیب دید که آن هم به لطف خدا رفع شد. من تا مدت‌ها از لحاظ روحی به هم ریخته

بودم واقعاً حالم دگرگون شده بود. نمی دانم چطور بگویم حس عجیبی داشتم فکر می کردم مرده ام و دوباره زنده شدم. این اتفاق باعث شد تا من خیلی به خدا نزدیک تر شوم.

مدام فکر می کردم و از اینکه زنده و سلامت بودم خدا را شکر می کردم. فکر می کردم که خدا فرصتی به من داده، فکر می کردم که می شد که من در آن سانج آسیب شدید ببینم و یا حتی بمیرم. اما حالا که اینطور نشده پس این فرصتی که برای من باید کاری کنم. باید کتابی را که تا حالا به هر دلیلی ننوشتم به دست آورم. اقدام کنم و بنویسم. از آنجا که من کتابهای خیلی زیادی در زمینه های موفقیت و انگیزش مطالعه کرده بودم و نتیجه های خیلی خوبی از آنها بدست آورده بودم. تصمیم گرفتم که خودم هم در همین زمینه کتابم را بنویسم و دوست دارم به همه عزیزانی که این کتاب را می خوانند بگویم: از هر ثانیه ی زندگیت لذت ببر و با هدف زندگی کن. اول خدا را باور کن بعد هم خودت را. چرا که زندگی بدون هدف بی فایده است. من هم از روزی که تصمیم گرفتم این کتاب را بنویسم بیشتر هدفمند شدم. از همان لحظه از هر لحاظ، جسمی، روحی، سلامتی، روحی و ثروت هر روز رو به پیشرفت بودم. هر لحظه به خاطر مجزیه های زندگیم از پروردگارم سپاسگزاری می کردم.

خوشحال بودم که خداوند مرا هدایت کرده و در مسیری افتاده ام که هر روز زیبا و زیباتر می شود. هر روز قرآن می خواندم و به درک عمیق می رسیدم و هر روز خوشحال تر می شدم بابت زنده بودنم چرا که داشتم

چیزهایی را یاد می‌گرفتم که هیچ وقت نمی‌دانستم و یا شاید هم می‌دانستم ولی به فراموشی سپرده بودم و فقط دوباره داشتند به یادم می‌آمدند. من حس و حالم را نمی‌توانم با چند جمله بیان کنم فقط امیدوارم که توانسته باشم تا حدی این حس خوب را به شما نیز انتقال داده باشم. در همین جا از همه سر عزیزم که بهترین دوست من است نیز تشکر می‌کنم که در طی نوشتن این کتاب به من حس خوب می‌داد تا من زودتر کارم را به پایان برسانم. پس شما هم دوست عزیزم از همین لحظه که این کتاب را می‌خوانی هدفمند شو و زندگیست را فرصتی گرانبها بدان تا وقتی که سالخورده شدی، ناتوان شدی و بدگشته‌ای. فکر کردی افسوس نخوری که ای کاش چنین می‌کردم و چنان می‌کردم.